

مجله پژوهشهای اسلامی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶

## سیمای امام علی (ع) در مفردات راغب اصفهانی\*

دکتر رضا فرشچیان

استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر ناصر محسنی نیا

استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

المفردات فی غریب القرآن اثر راغب اصفهانی شناخته شده ترین نوشتار غریب القرآن از پیشتازی امیرمؤمنان (ع) در حوزه غریب القرآن نشان دارد و گویای بزرگی مقام آن امام در دیدگان راغب است. او فضایل علی (ع) را یاد کرده، به روایات آن حضرت (ع) استناد می جوید و با احترام ویژه ای از ایشان سخن می گوید. مفردات، حاکی از تشییح نویسنده آن نیست از این رو دانش و دیگر ویژگیهای امام (ع)، وی را به یاد کردن و بهره بردن از سخنان علی (ع) واداشته است.

### واژگان کلیدی

علی (ع)، غریب القرآن، راغب اصفهانی، المفردات

---

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۵/۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۸/۱

نشانی پست الکترونیک نویسنده: farshchian@mail.uk.ac.ir

Mohseni nia\_nm@yahoo.com

## ۱- مقدمه

بی شک المفردات فی غریب القرآن مشهورترین اثری است که در حوزه واژگان قرآن کریم به رشته تحریر درآمده است. نویسنده توانای آن، راغب اصفهانی در آغازین سالهای سده ششم هجری دیده از جهان فرو بست، اما مفردات او قرنهایست که بی رقیب مانده است. سیوطی (م/۹۱۱ق)، شناخته شده ترین دانشمند علوم قرآنی، مفردات را در زمره بهترین آثار در حوزه غریب القرآن معرفی کرده (۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۵۳) و تاکنون نیز چنین مانده است.

مفردات نشان می دهد که از مبانی اجتهاد راغب در فهم معانی واژگان قرآنی، سخنان صحابه و تابعین است. او اگر چه از آنان یاد می کند، نگاه ویژه ای به علی (ع) دارد؛ فضایل آن حضرت را یادآور می شود؛ با احترام ویژه ای از ایشان نام می برد و میزان استناد های او به سخنان علی (ع) بسیار بیشتر از دیگر صحابه است.<sup>(۱)</sup>

مفردات، گویای تشیع راغب<sup>(۲)</sup> نیست؛ بلکه در مواردی جز آن را نشان می دهد. او با اینکه با احترام بیشتری از امام (ع) نسبت به دیگر صحابه یاد می کند در همان حال، نام شیخین را بر نام امام مقدم می دارد (۱۴۰۴ق، صص ۵۲، ۶۱) و ناخود آگاه مقدمه ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به یاد می آید که خدایی را می ستاید که مقدم داشت آن کس را که مقامش پایین بود بر آن که بالاترین مقام را داشت<sup>(۳)</sup> (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳) و می بینیم به روایت مجعول "إننا معاشر الأنبياء لا نورث" استناد می کند<sup>(۴)</sup> و چنان سخن می گوید که گویی علی (ع) جز در علم، وارث پیامبر (ص) نیست (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۹).

بنابراین، نگاه ویژه راغب به امام (ع) و سخنان آن حضرت نمی تواند از تعصب مذهبی ریشه گرفته باشد و اگر او معتقد به علم امام (ع)<sup>(۵)</sup> و پیشتازی ایشان در حوزه غریب القرآن نبود، قطعاً در مفردات این چنین از علی (ع) و سخنان ایشان یاد نمی کرد.

## ۲- ذکر فضایل امیر المؤمنین (ع)

مفردات از یاد کردن روایاتی که فضیلتی از فضایل علی (ع) را نشان می دهد، خالی نیست. راغب، همان زمان که واژه ای را شرح می دهد و یا از نامی یاد می کند،

حتی با اندکی مناسبتی به فضایل علی (ع) اشاره دارد. برخی از این موارد به قرار زیر است:

### ۲-۱- انا مدینه العلم و علی بابها

در مدخل "باب" در بیان اینکه مراد از باب، در «علم چیست»، به روایت پیامبر (ص) اشاره می‌کند که به علی (ع) فرمود: من شهر علم و علی باب آن است و اضافه می‌کند: یعنی به وسیله او به علم راه یافته می‌شود (ص ۶۴). به همین معنی صاحب فیض القدیر اشاره دارد (المنای، ۱۳۵۶ق، ج ۱، ص ۳۶) و نیز گوید: مراد از این روایت این است که هر که راه علی را پیش بگیرد به شهر علم در آمده و هر که نه، راه هدایت را گم کرده است: و من اخطأه اخطأ طریق الهدی (همان، ج ۳، ص ۴۶).

### ۲-۲- علی أقضاکم

راغب آنجا که "قضاء" را توضیح می‌دهد و از سختی حکم به درستی یا نادرستی چیزی سخن می‌گوید به روایت پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند که فرمود: علی در حکم کردن از همه شما تواناتر است (ص ۴۰۷). ابن ابی الحدید، شارح معتزلی مذهب نهج البلاغه، قضاء را همان فقه می‌داند و معتقد است که روایت "أقضاکم علی" پرده دیگری از فقاہت آن حضرت (ع) است (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۸).

### ۲-۳- إن لک بیتاً فی الجنة و إنک لذو قرنیها

در واژه قرن، تنها به نام ذوالقرنین اشاره دارد و بدون هیچ توضیحی از آن می‌گذرد، ولی بلافاصله به ذکر این روایت پیامبر (ص) در مورد علی (ع) می‌پردازد (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۱).

روشن است که راغب در صدد بیان فضیلتی از فضایل علی (ع) است و اگر هدف وی تنها بیان واژه بود، بایستی واژه "ذوالقرنین" را می‌شکافت و از احتمالات آن سخن می‌گفت. وی در بیان اینکه مراد از ذوالقرنین بودن علی (ع) چیست، می‌نویسد: یعنی تو (ای علی) در میان امت همانند ذوالقرنین می‌باشی (همانجا). در التدریس این روایت به همان صورتی دیده می‌شود که راغب ذکر کرده (القزوینی، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۴۶۹) و با اندکی اختلاف با آنچه راغب نقل کرده است به صورت «یا علی إن لک کنزاً فی الجنة» نیز روایت شده است. (ر.ک

ابن جنبل، بی تا، ۱/ ۱۵۹؛ ابن ابی شیبہ، ج ۴، ص ۷؛ النیسابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۳).

#### ۲-۴- انا ربانی هذه الامه

راغب آن هنگام که از "رب" سخن می گوید، واژه ربانی را نظیر واژه "الهی" می داند و به روایت مورد اشاره از علی (ع) استناد می کند (۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴). این در حالی است که به این روایت در النهایه فی غریب الحدیث و یا الفائق که به لغات احادیث اختصاص دارد، استناد نشده است (نک: ابن اثیر الجزری، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۵۴، الزمخشری، الفائق، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۹) ولی در مفردات، که مخصوص لغات قرآن است، مورد استناد قرار گرفته است.

#### ۲-۵- اللهم فقهه فی الدین

راغب، آیات متشابه قرآن را بر سه قسم می داند؛ دسته ای از آنها که علم کسی بدان راه پیدا نمی کند؛ همانند علم به وقت رستاخیز؛ بخشی را انسان می تواند بداند، همانند واژگان مشکل و دستۀ سومی که شناختنش مخصوص برخی از راسخان در علم است و بر دیگران مخفی است. وی سپس سخن پیامبر (ص) نسبت به علی (ع) را که خدایا در دین فقیهش گردان و تأویل را بدو بیاموز، اشاره به این نوع می داند (۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵). لازم به توضیح است که علامه مجلسی، همین مطلب را به نقل از راغب در بحار الانوار آورده است (۱۴۰۴ق، ج ۶۶، ص ۹۱)، ولی در منابع بسیاری مراد از روایت، ابن عباس دانسته شده است (ر. ک: ابن جنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۵؛ الخطیب البغدادی، بی تا، ج ۱ ص ۱۷۳؛ الطبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰ ص ۲۶۳؛ ج ۱۱ ص ۱۱۰).

#### ۳- استناد به سخنان علی (ع)

راغب اصفهانی به مناسبتهای گوناگون از سخنان و روایات امیر مؤمنان (ع) در شرح واژگان قرآنی سود می جوید. این در حالی است که نسبت استناد به روایات علی (ع)، نسبت به سخنان خلفای سه گانه بسیار بیشتر است. راغب گاه روایت را با ذکر نام علی (ع) و استناد مستقیم به آن حضرت (ع) می آورد و زمانی نیز به روایاتی که در منابع دیگر به امام (ع) نسبت داده شده، استناد می کند. نمونه هایی از آنها بدین قرار است:

### ۳-۱- استناد به روایات با نام بردن از علی (ع)

۱. در اینکه اصل واژه "إله" به چه معنی است، اختلاف وجود دارد. بنا بر یک رأی، اصل این واژه به معنی تحیر است. راغب این قول را به سخنی از امیر مؤمنان (ع) مستند می‌سازد. این رأی اشاره دارد به آنچه امیر المؤمنین (ع) فرمود: کلّ دون صفاته تحیر الصفات و ضلّ هناك تصاریف اللغات و در توضیح آن می‌آورد: این نامگذاری به این مناسبت است که چون بنده در صفات خدا فکر کند، متحیر گردد (۱۴۰۴ق، ص ۲۱).

۲. هنگامی که واژه "أبتر" را بیان می‌کند به روایت مشهور امیر مؤمنان (ع) اشاره دارد. بنا بر این سخن، آن حضرت (ع) می‌فرماید: دانشمندان تا روزگار باقی است، ماندگار هستند؛ وجودشان ناپیدا است، اما آثارشان در قلبها موجود است. راغب اضافه می‌کند این در مورد دانشمندان پیرو پیامبر (ص) است، چه رسد به شخص پیامبر (ص) که خدای تعالی ذکرش را بلند گردانیده است و او را خاتم الانبیاء قرار داد (همان، ص ۳۶)، این روایت برای بار دیگر در واژه جبر نیز مورد استناد راغب قرار گرفته است؛ آنجا که می‌گوید از آن جهت به دانشمندان، احبار می‌گویند که آثار دانش آنها در دل‌های مردم به یادگار می‌ماند ... (همان، ۱۰۶). استناد به یک روایت علی (ع) در دو مورد علاوه بر اینکه نشاندهنده مقام علی (ع) نزد راغب است، حاکی از اعتبار خود روایت نزد نویسندگان مفردات نیز هست.

۳. آیه ۱۰۳ سوره انعام اشاره دارد به اینکه چشمها خدا را در نیابند در حالی که او چشمها را دریابد. راغب می‌گوید: امیر مؤمنان (رض) فرموده: "توحید آن است که او را به اندیشه در نیآوری" التوحید أن لا تتوهمه.<sup>(۶)</sup> بنابراین، مراد از ابصار تنها چشم سر نیست، بلکه وهم و فهم را نیز در برگیرد (همان، ص ۴۹).

۴. در تفسیر ظاهر و باطن آرایسی چند دیده می‌شود (نک: الرازی، ۱۳۹۶: ۳۳۳-۳۳۲). راغب به روایتی از علی (ع) در تفسیر این دو لفظ استناد می‌کند. او بر بندگانش تجلی یافته، بدون اینکه او را ببینند و خود را به آنها نمایانده است، بدون اینکه بر آنها تجلی کند<sup>(۷)</sup> (۱۴۰۴ق، ص ۵۲). و می‌افزاید آگاهی بر این روایت نیازمند فهمی روشن و عقلی فراوان است. این شیوه برخورد با روایت، خود گویای تواضع علمی راغب در مقابل مقام علی (ع) است.

۵. در بیان اینکه آزمایش الهی تنها به سختی‌ها نیست، بلکه گاه با امور خوشایند نیز هست تا بنده از در امتحان سربلند به در آید، راغب به سختی از علی (ع) استناد می‌جوید که ایشان می‌فرماید: کسی که دنیايش بر او فراخ و پرنعمت شد و نفهمید که فریب خورده، او به خدعه و فریب عقلش دچار شده است<sup>(۸)</sup> (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۱۲). وی در توضیح مکر الهی مجدداً به این روایت استناد می‌جوید؛ چرا که مکر خدا گاه با مهلت دادن و توانا ساختن بندگان صورت می‌پذیرد (همو، ۱۴۰۴: ص ۴۷۱). این استناد مجدد گویای اعتبار ویژه روایت نزد راغب است.

۶. در بحث از معنای "جبر" و چرایی "جبار" خواننده شدن ذات اقدس باری تعالی (حشر ۲۳) چند نظر دیده می‌شود<sup>(۹)</sup>؛ از آن جمله است: تفسیر "الجبار" بر اساس معنای معروف جبر، که عبارت از قهر و چیرگی است و دیگر اینکه به مصلح امور تفسیر شود (نک: الرازی، ۱۳۹۶: ق، صص ۲۰۰-۱۹۷). راغب هر دو قول را به سخنانی از علی (ع) مستند می‌سازد. نظر نخست را به روایت "یا باری المسموکات و جبار القلوب علی فطرتها شقیها و سعیدها"<sup>(۱۰)</sup> اعتبار می‌بخشد و در بیان روایت می‌نویسد که مراد سرشتن قلبها بر معرفت (الهی) است (۱۴۰۴: ق، ص ۸۶) و رأی دیگر را نیز به دعایی از علی (ع) مستند می‌سازد: ای مصلح هر شکسته و آسانگر هر سختی<sup>(۱۱)</sup> (همان، ص ۸۶).

۷. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: الناس أبناء ما یحسنون (نک: الکلینی، ۱۳۶۷: ش، ج ۱، ص ۵۰؛ الآمدی، ۱۳۶۶: ش، ص ۳۸۵). راغب، این سخن امام (ع) را در تفسیر واژه "احسان" آورده و آن را از باب احسان و نیکی کردن در کارها دانسته است و گوید مراد از این عبارت این است که مردم منسوبند به آنچه می‌دانند و آن، نیکی‌هایی که انجام می‌دهند (۱۴۰۴: ق، ص ۱۱۹).

۸. برخی از دانشمندان بر آنند که زمانی به مال، "خیر" گفته می‌شود که فراوان باشد و منشأ پاک داشته باشد. راغب نظر اینان را به روایتی از امام علی (ع) مستند می‌سازد. یکی از موالی<sup>(۱۲)</sup> آن حضرت از وصیت کردنش می‌پرسد، امام به او می‌فرماید: نه؛ چرا که خدای تعالی فرموده است: إن ترک خیراً (بقره ۱۰۸) و تو دارایی فراوانی نداری (۱۴۰۴: ق، ص ۱۶۰).

۹. راغب در بیان "معاد" در آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» (قصص ۸۵)، نظر صحیح را آنچه امیرمؤمنان (ع) به آن اشاره کرده که

بهشت است، می‌داند و از قول مشهور، که "معاد" را مکه می‌داند با "قیل" یاد می‌کند که نشان از نادرست دانستن آن دارد. این روایت را حاکم نیشابوری و دیلمی از علی (ع) در کتابهای خویش ذکر کرده‌اند (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۴۶)، همانند این تفسیر، روایاتی چند از ابن عباس و ابو سعید خدری نیز دیده می‌شود (همانجا).

۱۰. مفردات از استناد به اشعار خالی نیست، از جمله آنها، ابیاتی منسوب به علی (ع) است که راغب بدان در تفسیر واژه "عقل" استناد کرده است. به دانشی که آدمی با نیروی عقل از آن سود می‌جوید، عقل گویند. وی آن گاه به این ابیات استناد می‌کند:

رأيت العقلَ عقليين	فمطبوع و مسموع
ولا ينفع مسموع	اذا لم يك مطبوع
كما لا ينفع الشمس	وضوء العين ممنوع <sup>(۱۳)</sup>

سید رضی این معنی را چنین از علی (ع) نقل کرده است: العلم علمان: مطبوع و مسموع و لا ينفع المسموع اذا لم يكن المطبوع (بی تا، ص ۵۳۴).

با ملاحظه تفاوت ابیات و روایت در واژه عقل و علم می‌توان به درستی نظر راغب بی‌برد و به همین صورت عبدالرؤف مناوی در شرح جامع صغیر سیوطی نیز از دو بخش عقل به مطبوع و مسموع یاد می‌کند (۱۳۵۶ق، ج ۳، ص ۲۸۰).

### ۳-۲- نوعی دیگر از استناد به روایات علی (ع)

گاه در مفردات مشاهده می‌شود که راغب به سخنان امام علی (ع) استناد می‌کند، ولی نام آن حضرت (ع) را یاد نمی‌کند. احتمال دارد درستی روایت نزد وی به اثبات نرسیده و یا مشهور بودن روایت و ذکر آن در کتابهای معتبر دلیل آن باشد. از این روست که مستقیماً به نام آن حضرت (ع) اشاره نمی‌کند.

۱. واژه "سلسیلاً" (انسان، ۱۸) را برخی مرکب از "سل" و "سیل" دانسته‌اند. راغب در همین حد از این ترکیب سخن می‌گوید و از گوینده آن نام نمی‌برد (۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷)، ولی زمخشری می‌نویسد که این سخن را به علی (ع) نسبت داده‌اند و آن گاه توضیح می‌دهد که این نظر با ظاهر آیه سازگار نیست مگر اینکه بگوییم همانند تأبط شرأ، اسم علم برای چشمه باشد که نوعی تکلف و بدعت و نوآوری محسوب می‌شود و نسبت دادن آن به مثل علی (ع) عجیبتر



است<sup>(۱۴)</sup> (تفسیر الکشاف، ۱۴۲۶، ص ۱۱۶۶). اینک مشخص می شود که چرا راغب، این سخن را به امام (ع) نسبت نداده است.

۲. در ماده "سمک" می نویسد در برخی از دعاها آمده است "یا باری السموات المسموکات"<sup>(۱۵)</sup> (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۳)، ولی پیشتر گذشت که راغب این دعا را از امیرمؤمنان (ع) دانسته است (همان، ص ۸۶). بنابراین، دلیل نام نبردن از امام (ع) در همین کتاب سابقه دارد. این دعا را می توان در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (۱۳۸۵ق، ج ۱۹، ص ۱۳۵) و النهایه (ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۴۲) دید.

۳. در بیان واژه مُتَنَطَّق، احتمال می دهد که مراد، کسی است که نطق (کمر بند) را محکم بسته باشد و آن را همانند این سخن "من یطل ذیلُ ایه یتَنَطَّق به" می داند (۱۴۰۴ق، ص ۴۹۱). زمحشری در "الفائق" (۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۶۷) و ابن اثیر در "النهایه" (۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۸۳) این سخن را با عبارت من یطل اَیر اَیه ... به علی (ع) نسبت داده اند و مراد از آن این است که هر که برادرانش فراوان باشد به آنان پشتگرم است و عزت می یابد.<sup>(۱۶)</sup> (همانجا) ولی با جستجوی فراوان در کتابهای حدیث شیعه و اهل سنت، این سخن دیده نشد و به احتمال فراوان راغب نیز به استناد آن به علی (ع) اطمینان نداشته و از این رو به آن حضرت (ع) نسبت نداده است.

۴. راغب در ماده "طعم" با عبارت قال علیه الصلاه والسلام به روایت "اذا استطعمکم الامام فاطعموه" استناد کرده است. این روایت صراحتاً در "عون المعبود" (العظیم آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳؛ ص ۱۲۴)، "سنن دارقطنی" (الدارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۴۰۰)، "التمهید" (ابن عبد البر، ۱۳۸۷ق، ج ۲۱، ص ۱۰۸) و "القاموس المحیط" (الفیروزآبادی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۴۴) به علی (ع) نسبت داده شده است، ولی ابن اثیر در النهایه (۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۰۵) و ابن ابی الحدید (۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۲۴۴) همانند راغب تنها به حدیث بودن این سخن اشاره کرده و از مصدر حدیث سخن نگفته اند و احتمال دارد که این چند تن به درستی به منشأ روایت آگاهی نداشته اند.

۵. در فروع کافی (الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۴) و نهج البلاغه (السید الرضی، بی تا، ص ۶۹)<sup>(۱۷)</sup> از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود: ما عُزِی قوم فی عُقر دارهم الا ذلّوا، بدین معنی که با هیچ قومی در میان سرزمینشان جنگ نشده، مگر اینکه خوار شدند. راغب در ماده عُقر (۱۴۰۴ق، ص ۳۴۱) پس از



اینکه مراد از "عقر الدار" را اصل آن می‌داند به این سخن استناد کرده است، ولی از گوینده آن نام نمی‌برد. این اثر نیز در این خصوص، همانند مورد قبل، گویی از راغب پیروی کرده است (نک، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۲۶۲). شاید بتوان شهرت انتساب روایت به علی (ع) را عامل ذکر نشدن نام امام (ع) دانست.

### ۳-۳- روایات علی (ع) از پیامبر (ص)

در مواردی، راغب به روایات امام (ع) از پیامبر (ص) استناد می‌کند. او اگر چه تنها سخن پیامبر (ص) را آورده در منابع روایی، راوی روایت، امیر مؤمنان (ع) است که این استنادها خود بیانگر اعتماد راغب به احادیثی است که توسط امام (ع) از پیامبر (ص) نقل شده است. برخی از این موارد به قرار زیر است:

۱. راغب در ماده "خیل" با عبارت قوله علیه السلام، روایت "عفو تکم عن صدقة الخیل" را ذکر کرده است (ص ۱۶۲). این روایت در مسند احمد (ابن حنبل، بی تاج ۱، صص ۹۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۳۲)، سنن ترمذی (الترمذی، بی تاج ۳ ص ۱۶)، سنن نسائی (النسائی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵ ص ۳۷)، سنن ابن ماجه (ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۷)، سنن أبوداود (أبوداود السجستانی، بی تاج، ج ۲، ص ۱۰۱) و سنن دارقطنی (الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، صص ۹۸، ۱۲۶) و چندی دیگر از منابع به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) آمده است.<sup>(۱۸)</sup>

۲. راغب در بیان واژه "المعاهد" به روایت پیامبر (ص) استناد می‌جوید، "لا یقتل مؤمن بکافر ولا ذوعهد فی عهده" (۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۰). این روایت در منابع روایی به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) دیده می‌شود (النسائی، ۱۴۰۶ ق، ج ۸، ص ۲۴؛ الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۳، ص ۹۸؛ ابوداود السجستانی، بی تاج، ج ۴، ص ۱۸۰). مفهوم همین روایت، که حاکی از خروج اسب از دایره زکات است، به صورت "لیس فی الجبهه صدقه" نیز از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است. راغب با عبارت رؤی عن النبی (ص) از آن یاد کرده است (۱۴۰۴ ق، ص ۸۷). روایت مورد بحث نیز همانند روایت پیشین به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) در منابع روایی با اندکی اختلاف به صورت "لیس فی الحضرات صدقه... ولا فی الجبهه صدقه" در منابع روایی دیده می‌شود (نک الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۹۴ و نیز نک: البستی، بی تاج، ج ۱، ص ۳۷۵؛ العسقلانی، الدرایه، بی تاج، ص ۲۵۴، ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۴).

### ۳-۴- یک نکته

موارد اندکی در مفردات دیده می شود که راغب در انتساب سخن به مصدر اصلی دچار اشتباه شده است؛ از جمله اینکه عبارت "اذا النساء بلغن نص الحقائق فالعصبة أولى في ذلك"<sup>(۱۹)</sup> را به خلیفه دوم نسبت داده است (۱۴۰۴ق، ص ۱۲۶) این در حالی است که این سخن تنها از امام علی (ع) نقل شده است. (نک: السید الرضی، بی تا، ص ۵۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ البیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۲۱؛ المقدسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۱۳).

### ۴- یاد کردن از علی (ع) به امیرالمؤمنین

در روایاتی از پیامبر اکرم (ص) دیده می شود که آن حضرت (ص)، علی (ع) را امیرالمؤمنین خوانده است؛<sup>(۲۰)</sup> از آن جمله فرمود: "سَلَّمُوا عَلِيَّ عَلِيَّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ" (الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱ ص ۲۹۲). راغب تنها، لفظ امیرالمؤمنین (ع) را درباره امام علی (ع) به کار می برد و حتی یک مورد نیز مشاهده نمی شود که در مفردات از دیگر صحابه با این عنوان یاد کرده باشد. این شیوه برخورد با نام علی (ع) خود گویای احترام فراوانی است که نسبت به امام علی (ع) ابراز می دارد. زیباست که بدانیم در دو مورد به سخن خلفا استشهاد کرده و از آنها با عنوان امیرالمؤمنین یاد نکرده است و اندکی پس از آن از امام علی (ع) با عنوان امیر المؤمنین نام می برد؛ برای نمونه در ماده "بطن" آورده است: "هي التي اثار اليها ابوبكر (رض) بقوله ... وقد روى عن أمير المؤمنين (رض) ما دلّ ..." (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲) و نیز در ماده "بلی" از خلیفه دوم تنها نام برده است و بلافاصله با عنوان امیرالمؤمنین از علی (ع) یاد می کند. بنگرید: "وبهذا النظر قال عمر بئينا بالضراء فصبرنا و بئينا بالسراء فلم نصبر (خ/نشکر) و لهذا قال أمير المؤمنين من وُسع عليه دنياه فلم يعلم أنه قد مكر به فهو مخدوع عن عقله (همان، ص ۶۱).

جز آنچه گذشت، راغب در ده مورد دیگر نیز از امام (ع) با عنوان امیر المؤمنین یاد می کند و از آنجا که بیشتر از روایات امام (ع) که مورد استناد راغب قرار گرفته است، سخن گفته شد، تنها به نشانی آنها در مفردات بسنده می شود (نک، ۱۴۰۴ق، صص ۲۱، ۳۶، ۴۹، ۸۶، ۱۰۶، ۱۱۹، ۲۳۷، ۳۴۲، ۳۵۲، ۴۷۱).

## ۵- نتیجه

با نگاه به آنچه در این نوشتار گذشت، نتیجه گرفته می‌شود که نویسنده بهترین و شناخته شده ترین کتاب غریب القرآن با عنایت ویژه ای به امام علی (ع) و سخنان ایشان می‌نگرد و از آنجا که مفردات، نشان از تشیع نگارنده آن ندارد، چنین رویکردی از سر تعصب مذهبی نبوده و حاکی از پیشتازی امام علی (ع) در عرصه غریب القرآن است.

## یادداشتها

۱. جستجو در المفردات نشان می‌دهد که راغب از خلیفه اول، سه سخن مستقیماً نقل می‌کند (ر.ک مدخلهای درک، بطن، عقل). از خلیفه دوم هفت بار نام می‌برد (ر.ک مدخلهای بلی، تابوت، حق) در بند ۲-۴ توضیح داده خواهد شد که راغب به اشتباه در این مدخل یک روایت را به عمر نسبت داده است، خلف، صعده، عرش، عرض) و از خلیفه سوم تنها یک بار یاد می‌کند (ر.ک مدخل: منی).
۲. سیوطی از خط زرکشی نقل می‌کند که امام فخر رازی در تأسیس التقدیس، راغب را از ائمه اهل سنت و و هم پایه غزالی دانسته است. سیوطی اضافه می‌کند که با این سخن، گمان من درباره معتزلی بودن راغب بر طرف شد (الکاتب الجلیبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۷۳؛ الطهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۹۸). محدث قمی در هدیه الاحباب از راغب با عنوان "الشافعی" یاد کرده است (ص ۱۵۸)، اما حسن بن علی طبری -از دانشمندان شیعه در قرن هفتم و صاحب کامل بهایی، راغب را از حکمای شیعه امامیه دانسته است (نک: الطهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ج ۲۰، ص ۱۲۸) و علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه نیز راغب را از اجلاء دانشمندان ایرانی اهل سنت دانسته است (ج ۱، ص ۳۲)؛ اگرچه در جایی دیگر از کتاب بر تأیید تشیع راغب دلایلی را ذکر کرده است: ۱- فراوانی روایت از اهل بیت (ع) ۲- تعبیر از علی (ع) به امیر المؤمنین ۳- ذکر روایاتی در شأن امام (ع) در کتاب محاضرات (نک: الامین، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۶۰). روشن است که این دلایل نهایتاً بر دوستی و محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد و تشیع به معنی مصطلح را اثبات نمی‌کند. اگر

چنین باشد، ما همین روایات را در شأن اهل بیت در مجامع مهم حدیثی اهل سنت هم می‌یابیم (برای نمونه نک: صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، فضائل علی بن ابی طالب (رض) و فضائل الحسن والحسین (رض) آیا آنان شیعه بوده‌اند؟ لازم به ذکر است که دانشمند رجالی معاصر سید محمد حسین حسینی جلالی، راغب را از دانشمندان اهل سنت خوانده و بر مرحوم علامه امین خرده گرفته که چرا راغب را از شیعه دانسته است (الحسینی الجلالی، ج ۲، ص ۳۹۹) افزون بر آن، مفردات، که معروفترین کتاب راغب است، نیز دلالت بر تشیع او ندارد.

۳. الحمد لله الذی... و قدم المفضول علی الافضل لمصلحة اقتضاها التكليف.
۴. شیخ مفید رساله ای در خصوص اشکالات دلالتی این سخن به رشته تحریر در آورده است. این رساله به سال ۱۴۱۳ قمری از سوی کنگره بزرگداشت شیخ مفید در قم به چاپ رسیده است.
۵. نک: الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، صص، ۲۵۵، ۶۴.
۶. هم چنین ر. ک الرازی، التفسیر الکبیر، ۱ / ۲۸۱.
۷. تجلی لعباده من غیر ان رأوه و أراهم نفسه من غیر ان تجلی لهم.
۸. من وسع دنیاه فلم يعلم انه قد مکر به فهو مخدوع عن عقله.
۹. برای تفسیر انتساب جبر به خدای تعالی و اختلافهای کلامی موجود نک: الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۶؛ الرازی، ۱۳۹۶ ق، صص ۱۹۹-۱۹۸.
۱۰. ای آفریننده و نظام بخش آسمانها و سرشت آفرین دلها و موجودات چه نیک بخت و چه نگون بخت (الراغب الاصفهانی ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۷) بخش اخیر این روایت را می‌توان در شرح نهج البلاغه اثر ابن ابی الحدید ج ۹، صص ۱۳۶-۱۳۴ و النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ج ۱، ص ۲۱۷ دید.
۱۱. یا جابر کل کسیر و مسهل کل عسیر.
۱۲. مولی در معانی چندی به کار می‌رود؛ از جمله آزاد کردن بنده و آن غیر عربی که وابسته به قبیله ای از اعراب است و بنا بر نظر شه‌د ثانی، بیشترین کاربرد این لفظ، معنی نخست است (نک، ۱۴۰۸ق، الرعایه، صص ۳۹۲-۳۹۰).

۱۳. در نسخه چاپی مفردات این ابیات با اندکی تغییر دیده می شود.
۱۴. وهو مع استقامته فی العربیه تکلف و ابتداع و عزوه الی مثل علی رضی الله عنه ابدع.
۱۵. مراد از این عبارت آسمانهای هفتگانه است (ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۴۲).
۱۶. من کثرت اخوته اشد ظهره بهم وعزّ.
۱۷. نک ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۸۴.
۱۸. نک: الطحاوی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۲۷؛ ابن خزیمه، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۸؛ البیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۱۷؛ الدارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۷؛ ابن عبد البر، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۲۱۵.
۱۹. مفهوم عبارت این است که دختران پیش از بلوغ، مادر به امر آنان اولویت دارد و پس از بلوغ، این حق به عصبه (خویشاوندان پدری) اختصاص دارد.
۲۰. در باره روایاتی که بر این مطلب دلالت دارد، نک: الامینی، ۱۳۶۶ش، ج ۸، صص ۸۹-۸۷.

#### کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۸۵ق، دوم.
۳. ابن اثیر الجزری، المبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثیر، صیدا، المكتبة المصرية، ۱۴۲۶ق.
۴. ابن جوزی، عبد الرحمن، التحقيق فی احادیث الخلاف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، اول.
۵. ابن حجر العسقلانی، احمد، الدرایة فی تخریج احادیث الهدایه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۶. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، مصر، مؤسسه قرطبه، بی تا.
۷. ابن خزیمه، محمد، صحیح ابن خزیمه، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۳۹۰ق.

۸. ابن عبد البر القرطبی، یوسف بن عبد الله، التمهید، مغرب، وزاره الاوقاف، ۱۳۸۷ق.
۹. ابن ماجه القزوينی، محمد، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابو داوود السجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۱. الامین، السید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
۱۲. الامینی، عبد الحسین، الغدیر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش، دوم.
۱۳. البستی، محمد بن حبان، المجروحین، حلب، دار الوعی، بی تا.
۱۴. البیهقی، احمد، سنن البیهقی الکبری، مکه، دار الباز، ۱۴۱۴ق.
۱۵. الترمذی، محمد، سنن الترمذی، بیروت، دارالاحیاء التراث الاسلامی، بی تا.
۱۶. الحسینی الجلالی، السید محمد حسین، فهرس التراث، قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
۱۷. الخطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۸. الدار قطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۶ق.
۱۹. الدارمی، عبد الله، سنن الدارمی، دار الکتب، ۱۴۰۷ق، اول.
۲۰. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۲. الرازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. الرازی، فخر الدین، شرح اسماء الله الحسنی، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، ۱۳۹۶ق.

۲۴. الزمخشري، محمود بن عمر، الفائق في غريب الحديث، صيدا، المكتبة المصرية، ۱۴۲۶ق، اول .
۲۵. الرازي، فخر الدين، تفسير الكشاف، بيروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۶ق، دوم.
۲۶. السيد الرضي، محمد بن الحسين، نهج البلاغه، به تصحيح د. صبحي صالح، قم، هجرت، بي تا.
۲۷. السيوطي، جلال الدين، الاتقان في علوم القرآن، دمشق، دار ابن كثير، ۱۴۰۷ق.
۲۸. السيوطي، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير المأثور، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ق، اول.
۲۹. الطبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، الموصل، مكتبه العلوم و الحكم، ۱۴۰۴، دوم .
۳۰. الطحاوي، احمد، شرح معاني الآثار، بيروت، دارلكتب العلميه ، ۱۳۹۹ق.
۳۱. الطهراني، آقا بزرك، الذريعة الى تصانيف الشيعة، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ق.
۳۲. العظيم آبادي، محمد، عون المعبود، بيروت، دارلكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۳۳. الفيروز آبادي، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۵ق، اول .
۳۴. القزويني، عبدالكريم بن محمد، التدوين في اخبار قزوين، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۸۷م.
۳۵. قمي، عباس، هدية الاحباب، تهران، امير كبير، ۱۳۶۳ش.
۳۶. الكاتب الجلبى، مصطفى بن عبد الله، كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۳ق.
۳۷. الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ش.
۳۸. المقدسي، عبد الله بن محمد، المغنى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۰ق، اول.
۳۹. المناوي عبدالرؤوف، فيض القدير، مصر، المكتبة التجاربه الكبرى، ۱۳۵۶، اول .



۲۰۴ / سیمای امام علی (ع) در مفردات راغب اصفهانی

۴۰. النسائی، احمد بن شعيب، سنن النسائی، حلب، المطبوعات  
الاسلاميه، ۱۴۰۶ق، دوم.
۴۱. النيسابورى، محمد، المستدرک على الصحيحين، دارالکتب العلميه،  
بيروت، ۱۴۱۱، اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی